

ایام الله ضمن آنکه می توانند به مثابه آیات الهی موجب آرامش و استحکام دل ها قرار بگیرند، می توانند مایه قساوت دل ها هم قرار بگیرند. قساوت دل از بدترین حالت های یک انسان یا جامعه انسانی است. باز شدن درب قساوت دل به روی انسان ها، یعنی فتح بابی برای بی ایمانی ها، ستمگری ها، جهالت ها و خلاصه ورود به ظلمات. بی اعتنائی و نادیده گرفتن ایامی که به مثابه آیات الهی هستند، اثر خود را در قساوت دل نشان می دهد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۷۱ / چهارشنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۹۸

موشک های ایران آینده پایگاه ها و عملیات آمریکا را محدود می کند

تسним: عضو ارشد اندیشکده آمریکایی امنیت و اطلاعات قرن بیست و یک در وبسایت اندیشکده بروکینگز نوشت که ایران و آمریکا بعد از حمله پهبادی در بغداد علیه ژنرال قاسم سلیمانی و حمله موشکی متعاقب آن به پایگاه آمریکا در عراق از درگیری بیشتر اجتناب کردند. با این حال رابطه ایران و آمریکا بعید است به روایی بازگردد که پیشتر بود و این بحران پیامدهای مهمی برای ثبات بلندمدت منطقه ای دارد. موشک های ایران دقیق تر شده اند و این امر می تواند آینده پایگاه و عملیات آمریکا را محدود سازد. تا پیش از این حمله موشکی بسیاری از ارزیابی های منتشر شده از موشک های ایران بر این فرض استوار بود که این موشک ها تا حدودی دقیق هستند. اما تصاویر ماهواره ای از موشکباران ایران نشان می دهند که این ارزیابی ها احتمالاً اشتباه بوده است. احتمال این که این موشک ها به اهداف مورد نظر برخورد کنند بیشتر از احتمال خطای آنها است. ممکن است این امر در نتیجه این باشد که ایران مناطقی را هدف قرار داد که تجهیزات در آنجا بیشتر از پرسنل بود و این امر صرفاً بخاطر شانس یا مسئله آژیر هشدار اولیه نبوده است. این حمله نشان دهنده این است که ایران اکنون قابلیت به کارگیری موشک های نقطه زن کوتاه برد بالستیک را دارد و این بخشی از روند جهانی است که به سمت موشک های با دقت بالا رفته است.

این اندیشکده تصریح می کند: در درگیری آتی، ایران می تواند از موشک های متعارف نقطه زن برای نابودی پایگاه هایی استفاده کند که توسط جنگنده های آمریکایی استفاده می شوند یا بنداری را که آمریکا از آنجا برای اعزام و یا تدارکات نیروهای نظامی خود بهره می گیرد، ویران کند. در هر حال، حفظ روند عادی عملیات نظامی در مقابله با این موشک ها بسیار دشوار خواهد بود البته اگر نخواهیم بگوییم که غیرممکن است. آمریکا همچنین احتمال دارد عملیات را به هواپیماهایی منتقل کند که از ناوهای هواپیمابر عملیات می کنند. به هر حال این کشتی های غول پیکر خودشان آسیب پذیر هستند ضمن این که تعدادشان زیاد نیست و در نهایت آمریکا مجبور خواهد بود که از پایگاه هایی استفاده کند که برد موشک های ایران به آنها نمی رسد و این امر نیز مستلزم پرواز طولانی برای رسیدن به اهداف و سوختگیری مجدد است و همه اینها یعنی هزینه بیشتر و نیاز به هواپیماهای بیشتر.

تئوری پردازی برای دیپلماسی التماسی

جوان: احمد نقیب‌زاده در یک گفتگویی ابتدا به رفتار غیرقانونی و برخلاف عرف بین‌المللی امریکایی‌ها در ترور سردار سلیمانی اشاره کرده، اما در ادامه گفته: «معتقدم دیپلماسی با نظر به شرایط و واقعیت‌ها جریان می‌یابد. می‌دانیم که سردار سلیمانی در منطقه مانعی بر سر راه منافع امریکا و سربازان این کشور در منطقه خاورمیانه بود و ضدیت امریکایی‌ها با چنین چهره‌ای جای تعجب ندارد، اما در نهایت می‌توان انتظار داشت با پدید آمدن زمینه‌هایی و با گذشت زمان کاهش تنش اتفاق بیفتد. بحران میان دو کشور در روابط بین‌الملل، هرچند عمیق، اما نمی‌تواند دائمی باشد. جایی که منافع ملی و کلان یک کشور ایجاب کند، امکان تغییر در برخی سیاست‌ها وجود دارد. به عقیده من نباید برای همیشه راه‌های کاهش تنش را مسدود فرض کرد» نقیب‌زاده البته بدون اشاره به دشمنی‌های امریکا با ملت و انقلاب اسلامی طی چهار دهه گذشته، تلاش کرده است که «دشمنی‌های امریکا» را در زوررقی از الفاظ دیپلماتیک مانند «منافع امریکا در منطقه» بپوشاند تا تحلیل خود از صحنه حضور امریکا در منطقه را برای مخاطب منطقی جلوه دهد.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب تلویحاً «برجام‌های منطقه‌ای» را برای کاهش تنش‌ها تجویز کرده بدون اینکه اشاره به بدعهدی‌های طرف‌های اروپایی در برجام بکند: «سیاست ایران در پرونده هسته‌ای مبنی بر کاهش گام‌به‌گام تعهدات برجامی که در نهایت منجر به برداشتن گام پنجم و کنار گذاشتن همه تعهدات در حوزه فنی برجام شد، کشورهای اروپایی را دچار نگرانی و هراس کرده است...» او سپس راه برون رفت از این «نگرانی و هراس» را در رفتار جمهوری اسلامی ایران جست‌وجو می‌کند: «فکر می‌کنم هنوز این امکان وجود دارد که با تلاش کشورهای اروپایی، به حد واسطی رسید که هم ایران به غنی‌سازی خود ادامه دهد و هم شرایط دیگر در نظر گرفته شود. به هر حال گاهی وضعیت اقتصادی خود را در تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهد». این درست همان سیاستی است که امریکایی‌ها و طرف‌های هم‌پیمان آن‌ها بارها تأکید کرده‌اند که باید از طریق تشدید فشارهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را وادار به دادن امتیازهای دیگر (بخوانید تسلیم) کنیم. دعوت به دیپلماسی در حالی است که برجام حاصل دو سال گفت‌وگوی فشرده دولت با طرف‌های غربی بود که در نهایت با خروج یکجانبه امریکا از آن دچار مرگ مغزی شد، بی آنکه برای این اقدام خود هزینه‌ای بپردازد. پیش‌تر یک نماینده اصلاح‌طلب مجلس هم پس از شهادت سردار سلیمانی، در اظهارنظری منفعلانه و ناشی از زبونی گفته بود: «پیشنهاد من، خویشتن‌داری و مذاکره بین ایران و امریکا است»!

تقسیم سرزمینی، راهکار جدید آمریکا برای خاورمیانه

اعتماد آنلاین: به اعتقاد برخی از کارشناسان، بعد از آنکه تلاش‌های سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در آمریکا برای متوقف کردن «قانون قیصر» شکست خورد و فشارهای اقتصادی آمریکا بر سوریه افزایش بیشتری پیدا کرد، مسکو بیش از گذشته نسبت به آینده اوضاع در سوریه ابراز نگرانی می‌کند. امروز ایالات متحده در مقابل تصمیم حداکثری محور مقاومت برای خارج کردن ارتش آمریکا از منطقه، فشار حداکثری خود را بر نقاط اختلافات قومی و نژادی منطقه متمرکز کرده و تحقق هدف حضور مستمر در کنار منابع نفتی (آن‌گونه که ترامپ بارها به صراحت از آن سخن گفته)، چه از طریق سلطه بر دولت‌های حاکم باشد چه از طریق تقسیم کشورهای مذکور، برایش تفاوتی نخواهد کرد.

گرچه ملت‌های منطقه نیز در مقابل این رفتار ساکت نمی‌نشینند و ابزارهای خاص خود را برای مقابله با بیگانگان در اختیار دارند.

فرمول‌های قلبی!

کیهان: چرا لیبرال‌های وطنی نتیجه نمی‌گیرند؟ چرا دشمن با وجود اینکه با «تمام» ظرفیت و توان وارد میدان شده، تمام اصول انسانی و قوانینی که بعضاً، واضح آن است را زیر پا گذاشته، به ایران که می‌رسد، به در بسته می‌خورد؟ چه اتفاقی می‌افتد که با وجود این همه فشار اقتصادی، تحریم، بی‌عملی و بدعملی، بمباران افکار عمومی، مردم همچنان حماسه می‌آفرینند؟ و در یک کلام... چرا دشمن حریف این کشور و این ملت نمی‌شود؟

بخوانید: ۱- می‌گویند شورویِ لنین و استالین، رژیم کمونیستی مورد نظر مارکس نبود چرا که این دو، طبق «نظریه تاریخ مارکس» اقدام نکردند و از روی مرحله بورژوازی به مرحله کمونیسم «پريدند».

لیبرال‌ها و هواداران نظام سرمایه‌داری نیز برای رسیدن به هدف «ایده‌آل» خود یعنی توسعه (اقتصادی یا سیاسی) فرمول‌هایی را تهیه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این فرمول‌ها مربوط است به «والت ویتمن روستو»، اقتصاددان و سیاستمدار مشهور آمریکایی (۱۹۱۶-۲۰۰۳) که گفته می‌شود، بخشی از لیبرال‌ها در ایران از او هم الهام گرفته‌اند! مراحل رشد از نظر «روستو» هم به این شکل عنوان و تاکید شده این مراحل «باید» به ترتیب طی شود: ۱- جامعه سنتی ۲- شرایط ماقبل جهش اقتصادی که در آن شروط ضروری محقق شده‌اند. ۳- جهش اقتصادی ۴- میل و خیز به سوی کمال ۵- مرحله سطح بالای مصرف انبوه. فرض بگیریم در مرحله اول یعنی «جامعه سنتی» هستیم و می‌خواهیم وارد مراحل ماقبل جهش اقتصادی شویم. «شروط ضروری» که در مرحله ۲ آمده «باید محقق شده باشند» کدامند؟ آیا این شروط را درست تشخیص داده و مهیا کرده‌اند؟ در چارچوب این نظریه، اگر جهش اقتصادی صورت نمی‌گیرد، و هنوز در مرحله اولیم، طبیعتاً می‌بایست ایراد در همین مرحله باشد و تا این شروط مهیا نشده از جهش اقتصادی خبری نیست. (این نکته، صرفاً یک بحث تئوریک است و لزوماً به معنای تایید نظریه‌های فوق نیست. می‌خواهیم برای توضیح بهتر مسئله، در فضای فکری لیبرال‌های وطنی سیر، و نقدی بر عملکرد ۷ سال گذشته این جریان سیاسی کرده باشیم.) اگر لیبرال‌ها در غرب در اقتصاد نتیجه‌هایی گرفته‌اند، طبق حساب و کتاب و فرمولی است که دارند. حساب و کتاب و فرمول لیبرال‌های وطنی کدام است؟ دوباره به فرمول ۵ مرحله‌ای «روستو» نگاه کنید! کدام یک از آن مراحل را طی کرده‌اند؟ مذاکره از موضع ضعف آن هم برای چوب حراج زدن به مولفه‌های قدرت شد فرمول؟ می‌خواهیم بگوییم، این قماش، «لیبرال» هم نیستند و صرفاً ادای لیبرال‌ها را در می‌آورند. اینکه چه هستند، ما هم نمی‌دانیم. این پاسخ سؤال اول!

۲- اما اینکه، «دشمن» خارجی چرا نتیجه نمی‌گیرد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال کمی به عقب برگردیم. دشمن چند سالی است صراحتاً هدف از اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران را «شوراندن مردم علیه حاکمیت» و «براندازی» عنوان می‌کند. اما نتیجه نمی‌گیرند. «نیل ژوسف اسملسر»، جامعه‌شناس مشهور آمریکایی که در حوزه «نظریه رفتار جمعیتی مدتی است دشمن تلاش زیادی می‌کند، آمریکا می‌خواهد فرمول «اسملسر» را به شکل «مصنوعی» و به زور بر مردم تحمیل کند! اول تحریم می‌کند و اموال ملتی را می‌دزدد تا مشکل اقتصادی (زمینه ساختاری) ایجاد کند و به قول پمپئو «به مردم گرسنگی دهد». یعنی ایجاد بحران مصنوعی و زورکی! جالب است، در تریبون‌های رسمی نیز تصریح می‌کند، هدف غایی فشارهای اقتصادی، مردم و گرسنگی دادن به آنها جهت گرفتن مولفه‌های قدرت یک کشور در وسط نا امن‌ترین منطقه جهان است! اگر عامل فشارها دشمن است، مردم چرا باید علیه حاکمیت خود بشورند؟!

پدافندهای مهم تر را دریابیم

رسالت: پدافند، به مجموعه اقداماتی می‌گویند که آفند دشمن را خنثی کرده و یا حداقل تأثیر آن را به حداقل می‌رساند. حال سؤال این است که در حال حاضر، کدام دستگاه‌ها یا افراد متولی پدافند در برابر هجوم سنگین دشمن در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند و چرا این پدافند در بسیاری از موارد عمل نمی‌کند. بدتر آن‌که در بسیاری از اوقات، مجموعه پدافندی، به خودی شلیک می‌کند و به‌عکس شلیک پدافند به هواپیمای اوکراینی که سهوی بود، اینجا شلیک پدافند به نیروهای خودی، عمدا صورت می‌گیرد.

نمونه‌ها متعدّدند. چرا برخی جوانان ما، نباید در ایران برای خود آینده قابل قبولی متصور باشند و چرا این‌قدر با پدیده مهاجرت نخبگان روبه رو هستیم؟ چرا جوانان نباید حس کنند که از زبان هیچ‌یک از تریبون‌های رسمی کشور، حرفشان گفته نمی‌شود، چرا دانشگاهیان ما، باوجود آنکه در حوزه‌های علمی و آموزشی، سرآمد بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا هستند، در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی با جامعه ایران تفاوت ملموس دارند، چرا جوانی که تمام دوران تحصیلش را در مدارس و دانشگاه‌های برتر به‌صورت رایگان گذرانده، وقتی به مرحله ثمر دهی می‌رسد، نفّعش را به جوامعی غیر از مردم خود می‌رساند و حتی گاهی خروجی‌های این سیستم، کاملاً ضد سیستم تربیت‌شده‌اند؟ حال آنکه اغلب این جوانان، شیفته کشورشان هستند و حتی آن‌هایی که مشکل یا مخالفتی با فضای حاکم بر کشورشان دارند، باید بتوانند حرف بزنند و بشنوند و در تعامل و گفت‌وگویی سازنده، گوشه‌ای از پازل اعتلای کشورشان را پر کنند. به نظر می‌رسد حال که قرار است مجموعه‌های متولی، بازنگری در سامانه‌های پدافند نظامی و اصلاح آن‌ها را داشته باشند، باید با همان اولویت و بلکه بیشتر، سامانه‌های پدافند اجتماعی و فرهنگی کشور مورد بازنگری قرار گیرد.

